

تار مانده و جای خالی یار...

نوشته همایون رحیمیان

موسیقی در دهه شصت، چه در جریان جنگ و چه داخل و خارج از آن، حاصل همدلی، شور و هیجانی مختص همان دوران بود. اگرچه سختی‌های آن زمان (برهه‌ای که نوازنده برای حمل ساز در جیبش حتماً مجوز همراه داشت و اگر آن برگه نبود احتمال از دست دادن ساز و شکسته شدنش هیچ بعید نبود) به عنوان خاطرات خوش در حافظه ما ثبت نشده، اما اصالت کار کردن در ماندگاری آثار آن زمان خودش را بخوبی نشان می‌دهد.

به‌طور مثال اگر هنرمندان در گروهی همکاری می‌کردند به ساخت و تولید بهترین اثر فکر می‌کردند و حاصلش همین آثار ماندگار در عرصه موسیقی تاریخ ایران است. هر ژانری جایگاه خود را داشت و برای هر بخش از ساخت یک آهنگ، کارشناس و متخصص مربوط به آن نظر می‌داد و کار را به پایان می‌رساند.

به‌طور کلی بعد از انقلاب در موسیقی هم، همچون سایر حوزه‌های فرهنگی هنری، تولیدات افزایش پیدا کرد و این در دوران جنگ نیز همان‌طور که اشاره کردم دیده می‌شد. امروز با وجود اینکه فضای بازتر و راحت‌تری وجود دارد اما شاهد قحطی ملودی، شعر و آهنگسازی شده‌ایم. این بدان معنا نیست که آثار خوب وجود ندارد. بسیاری از آثار امروزی در گرو مادیات رنگ و بوی اثر ماندگار را هم ندارند، شاید دیگر در حافظه‌مان ثبت نمی‌شوند و پس از گوش دادن در یک برهه زمانی آن را فراموش می‌کنیم.

متأسفانه از یک زمانی موسیقی ما به سمت موسیقی پاپی که سطح مناسبی به نسبت موسیقی پاپ خوب در دنیا و چه حتی در دورانی که در ایران موسیقی پاپ با آهنگسازان و ترانه‌های قابل قبول ساخته می‌شد نیز ندارد. این موسیقی خوراک خوبی برای گوش شنونده نیست و تغییر این عادت کار سختی خواهد بود. وقتی موسیقی پاپ شکل گرفت ما محمد اصفهانی، عباس بهادری و دیگرانی داشتیم که کارهای خوبی اجرا می‌کردند. من به موسیقی پاپ علاقه‌ای ندارم اما با اینکه این نوع موسیقی نیز برای جامعه لازم است هم مخالفتی ندارم، ولی کاری که با کیفیت مناسب ارائه نشود فقط سلیقه جامعه را پایین می‌آورد.

خواننده‌های گوناگون با هر صدایی وارد عرصه موسیقی شدند و متأسفانه فضایی شکل گرفته که برخی از آنها بدون صدا، آهنگ و شعرهای مناسب با حمایت‌هایی مورد استقبال واقع شدند و دیگر کسی هم نمی‌تواند آنها را رد کند چون مردم به آنها عادت کرده‌اند و این زمانی است که نظارت کافی و کارشناسی در این حیطه وجود نداشته باشد. در شرایط فعلی تعداد خواننده‌هایی که نه فقط سنتی، بلکه موسیقی کلاسیک ایرانی یا پاپ هم می‌خوانند کم است. آنهایی هم که هستند بیشتر به بازخوانی کارهای قدیمی می‌پردازند، همان کارهای قدیمی را در اجراهایشان بازخوانی می‌کنند و در این میان همچنان خبری از آهنگسازی یا تولید اثری جدید و ماندگار وجود ندارد البته که آن هم دلایل مختلف دارد و یکی از آنها عدم سرمایه‌گذاری است و بخشی از این‌ها به عدم امنیت شغلی و مادی برای هنرمندان بر می‌گردد که مسأله مهمی است و سازمان‌ها هم دیگر برای رشد موسیقی برنامه و سیاستگذاری ندارند و همین باعث می‌شود کار خوب و ماندگار کمتر تولید شود.

مخاطب امروز هنوز هم با آثار قدیمی ارتباط برقرار می‌کند. در دهه شصت اگرچه شکل آثاری که تولید می‌شد با امروز بسیار متفاوت است اما اکثر آنها در حافظه جمعی شنودگانش ماندگار شده، درست مثل همان سرودها و آهنگ‌هایی که در مستندی مثل بزم رزم به آن پرداخته شده است. حس نوستالژی همیشه با انسان همراه است اما در دهه ۹۰ ما شکل نو و جامع و کامل از یک کار جدید را نمی‌بینیم و گروه‌هایی همچون «چاووش» و... نیز شکل نمی‌گیرد. خواننده‌های جدید وقتی برای ارائه چیزی ندارند از همان آهنگ‌های قدیمی استفاده می‌کنند.

همیشه شرایط زمانی مهم است اما تا زمانی که ناظر و کسی که حرفه و سواد کافی برای ساخت و تولید داشته باشد و در رأس امور قرار نگیرد متأسفانه ما شاهد این خواهیم بود که موسیقی امروز در سرایشی قرار بگیرد. حالا بیشتر ترانه‌ها ضعیف‌تر انتخاب می‌شوند. گروه‌های مردانه با خوانندگی دو نفر یا سه نفر خطاب به هم و در وصف هم ترانه‌هایی را می‌خوانند که خروجی آن شکل نامناسبی از یک آهنگ را عرضه می‌کند ولی

آنها با استقبال عموم مواجه می‌شوند و مردم از هر چیزی که ریتم مورد خوشایند گوش آنها را تأمین کند لذت می‌برند و گویا دیگر چارچوبی وجود ندارد.

صداوسیما سختگیری می‌کند که البته منظورم مهر تأیید به سختگیری نیست ولی از آن طرف همان اثر با مجوز ارشاد به‌صورت سی‌دی به بازار می‌آید، آثار خوب گاهی مجوز نمی‌گیرند نهادهای سیاستگذار و بخش‌های ممیزی می‌توانند از حضور و نظرات پدیده‌ها و شخصیت‌های برجسته موسیقی مدد بگیرند و متأسفانه هیچ اتاق فکری وجود ندارد.

در دهه شصت اگر مارش نظامی ساخته می‌شد، موسیقی حماسی و موسیقی سنتی هم ساخته می‌شد و هر کدام جایگاه خود را داشت و خط مشی و مفهومی را دنبال می‌کرد. آثار آن دوران ماهیت و ریشه خود را داشتند و هنرمندانش به معنی واقعی با دل و جان کار کرده‌اند، از ترانه‌سرا، خواننده، آهنگساز همه با هم عجب و یکدل بودند.

امروزه همه چیز از بین رفته، گویا این موسیقی جایگاهی ندارد. مرکز حفظ و اشاعه موسیقی هم تبدیل به یک اتاق کوچک شده است. از موسیقی حماسی خبری نیست و به‌طور کلی حذف شده و حتی در موسیقی فیلم هم دیگر اثر درخشانی که مثل گذشته باشد نداریم محتوای موسیقی دیگر مطرح نیست، چرا که باز هم به خاطر بحث مادیات ممکن است کارگردان بخواهد کمتر هزینه کند.

وقتی به زمان گذشته بر می‌گردیم و مثال‌هایی از نمونه فیلم‌هایی همچون بزم رزم می‌زنیم می‌شود به این موضوع پرداخت که در برخی از موارد امکان الگوسازی از روی آن وجود دارد. یعنی حتی خود موسیقیدان‌ها و متولیان در این زمینه، در جامعه ایجاد نیاز کنند، اما باز هم این الگوها از بین رفته و خود جوان‌ها نمی‌توانند الگوسازی کنند.

این‌ها به مفهوم شکایت و منفی بافی نیست، یا اینکه بخواهم بگویم گذشته بهتر بوده و ما بازگردیم و همان روند را پیش بگیریم، خیر. فقط گاهی چنین گفت‌وگو‌هایی می‌تواند تلنگری به وضع موجود باشد برای پیشرفت و بهتر شدن و حرکت به سمت آینده با قدم‌هایی استوارتر که هویت و تاریخ موسیقی این سرزمین را حفظ کنیم. ■

موسیقیدان، نوازنده ویولن و آهنگساز متولد ۱۳۳۱ تهران است. او هم‌زمان با هنرمندانی همچون: مرتضی حنانه، حسین ناصحی، فریدون ناصری، مصطفی کمال پورتراب، مجید انتظامی و... پیش و پس از انقلاب فعالیت کرد. همان دوران وارد ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون به رهبری لوریس چکناواریان شد و بعد از انقلاب، در ارکستر سمفونیک هلند پذیرفته شد و برای مدت کوتاهی به آن کشور مهاجرت کرد اما به دلیل فضای انقلاب و جنگ به ایران بازگشت و از سال ۱۳۵۹ قطعات موسیقی نظامی حماسی و مارش‌های جنگی بسیاری ساخت و به همراه چند موسیقیدان دیگر، ارکستر سمفونیک تلویزیون به رهبری نادر مرتضی پور را راه‌اندازی کرد. آهنگسازی بیش از ۱۰۰ قطعه موسیقی موجود در آرشو صداوسیما به خوانندگی مهرداد کاظمی، حسام‌الدین سراج، علیرضا افتخاری، عبدالحسین مختاباد، سالار عقیلی، محمد معتمدی و... ضبط و اجرا شده است. او در دوران جنگ از مدیران تأثیرگذار صداوسیما بود و در مستند بزم رزم در مورد ساخت آهنگ‌های انقلابی و همچنین خاطرات متعددی از روند صدور مجوزها و مشکلاتی که گریبانگیر آهنگسازان و نوازندگان بود در مقابل دوربین سید وحید حسینی نشسته است.

